شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال پانزدهم
۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۱ شوال ۱۴۴۵
شماره ۴۱۹۷

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۹٪ ↓۱۳° ↑۲۷°

صبح ۱۸ | ظهر ۲۵ | عصر ۲۴ | شب ۱۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۰:۲۱ | نیمه شب شرعی ۲۲:۴۴:۵۷
غروب آفتاب ۱۸:۰۹:۵۳ | اذان صبح فردا ۰۳:۱۸:۲۷
اذان مغرب ۱۸:۲۸:۵۳ | طلوع آفتاب فردا ۰۴:۴۹:۳۴

کارتون شهر



رضا جنگی

در حاشیه وقوع سیل در سیستان و بلوچستان

شوخی بی‌شوخی

ته دیگ T ته خط سلامتی است



مهدی محمدی
طنزپرداز

دانشمندان عزیز سلام. راستش از دستتان خیلی ناراحتم. مگر غیر از این است که دانش شما باید در خدمت بشر و کمک به رفاه او باشد؟ پس لطفا توضیح دهید چرا به جای اینکه یک کاری کنید که کل قابلمه به خوشمزگی ته دیگ شود این قدر از ته دیگ نمونه برداری می کنید تا وقتی که برایتان ثابت شود ته دیگ مضر است.

وقتی هم که درباره مضرات ته دیگ جست‌وجوی اینترنتی انجام دادم فهمیدم این بار اولی نیست که شما دانشمندان و محققان درباره معایب ته دیگ اظهار نظر کرده‌اید. یک بار از سموم موجود در ته دیگ می‌گویید و یک روز نسبت به چربی و کالری فراوان موجود در آن هشدار می‌دهید.

نمی دانم این همه دشمنی از کجا نشئت می گیرد. شاید توی یک مهمانی جایی از سفره نشسته‌اید که وقتی دیس ته دیگ را دست به دست می کردند چیزی از ته دیگ به شما نرسیده است و بقیه نفرات حق شما را خورده‌اند. کاش وضعیت اقتصادی ما را درک می‌کردید و می‌فهمیدید که وقتی کفگیرمان به تهِ دیگ می رسد دیگر هیچ چیز خوشمزه‌ای غیر از ته دیگ به دست ما نمی‌رسد!

جالب اینجاست که هرقدر هم ته دیگ خوشمزه‌تر باشد مضرات بیشتری از آن کشف کرده‌اید. مثلا گفته‌اید که ته دیگ سیب زمینی از ته دیگ نان خطرناک‌تر و مضرتر است چون یک سمی به نام اکریلامید آزاد می کند که دستگاه گوارش را هدف قرار می دهد.

خواستم بدانم شما این همه تحقیق می‌کنید و مضرات همه چیز را کشف می‌کنید درباره یک چیز درست و حسابی تحقیق نکرده‌اید. آن هم اینکه هرقدر هم شما با مبانی علمی مضرات یک چیزی را به ما بگویید چیزی از ارزش‌های آن برای ما کم نمی‌شود.

کاش یک بار هم تحقیق می‌کردید تا بفهمید ما اگر چیزی را هم کمتر مصرف کنیم مثل چیپس و پفک که گفته بودید مضر است فقط به خاطر قیمت زیادش بوده است نه به خاطر مضراتی که شما آن را کشف کرده‌اید.

اول شخص

چشم امید مادران

یادی از دکتر محمدتقی صراف شیرازی، استاد پیشکسوت پزشکی اطفال مشهد که چهارسال پیش در چنین روزی درگذشت



آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

طبابت، پیشه آبا و اجدادی خاندان صراف شیرازی نبود، اما مرگ غم انگیز برادر محمدتقی در کودکی بر اثر ابتلا به بیماری دیفتری، اندوه او و خانواده‌اش را به انگیزه‌ای برای جبران و ساختن، تبدیل کرد. در روزگاری که دنیای پزشکی هنوز حریف بیماری های ویروسی نمی شد و ساخت واکسن، رویایی دور از دسترس بود، محمدتقی با زمزمه های پدرش محمدقاسم صراف، تشویق شد تا دستی به زانو بگیرد و باقی عمرش را وقف راهی کند که در آن کمتر خانواده ای بر اثر فوت کودکش داغ دار شود: «درست را بخوان و دکتر شو تا کودکی به خاطر بیماری از دنیا نرود.» به این ترتیب پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را در دبستان هدایت و دبیرستان ایرانشهرِ یزد با موفقیت در دو رشته ادبی و طبیعی به پایان برد، با انگیزه و اراده‌ای محکم در کنکور پزشکی شرکت کرد. آن سال با قبولی در رشته پزشکی شیراز به سبب مشکلاتی از ورود به دانشگاه بازماند. سال بعد با شرکت در آزمون سراسری، در دانشگاه حقوق تهران قبول شد. اما همچنان سودای تحصیل در رشته پزشکی، پای رفتنش را سست کرد و برای سومین بار کنکور داد. سال ۱۳۳۰ بود و این بار با قبولی در رشته پزشکی، عازم مشهد شد و در همسایگی امام رئوف، تحصیلات خود را در دانشکده پزشکی مشهد آغاز کرد. شاگرد اول خوش نام دانشکده، سرانجام با دریافت مدال و نشان درجه اول علمی از دانشکده، فارغ‌التحصیل شد و به رسمِ روال مرسوم آن ایام، به واسطه آن که در زمره بهترین های دانشگاه قرار می‌گرفت، می توانست از سهمیه تحصیل در خارج از کشور استفاده و برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس سفر کند. اما اشتیاق او بیش از سفر به فرانسه، عزیمت به زادگاهش یزد بود تا با افتتاح نخستین مطب خود، شور و غرور را در چشمان مشعوف پدری ببیند که روزگاری او را به این راه تشویق کرده بود. پس از مدتی طبابت در شهر یزد و کسب تجربه و خدمت به هم ولایتی هایش، عزم سفر کرد و در سال ۱۳۳۶ به فرانسه رفت تا تخصص خود را در رشته بیماری های کودکان اخذ کند. چهار سال بعد هم در حالی به ایران برگشت که از پیشنهادهای متعدد در پاریس روی برگردانده. به شوق خدمت و زیست در جوار امام رضا(ع)، مسیر وطن را در پیش گرفت. پس نخستین مطب خود را در خیابان گلستان مشهد افتتاح کرد و پس از چند سال طبابت، در سال ۱۳۴۳ با قبولی در آزمون استادیاری، برای تدریس و درمان کودکان به بیمارستان امام رضا(ع) مشهد معرفی شد. حالا زندگی اش نیمی به طبابت در مطب و نیم دیگرش به حضور در بیمارستان امام رضا(ع) می‌گذشت و در این میان هر ساعت از شبانه روز حتی زمان استراحت و حضور در منزل، میزبان حضور بیمارانی بود که نوزادان خود را در آغوش گرفته و مضطربانه در خانه اش را می زدند و هرگز ناامید برنمی‌گشتند.



دکتر صراف سال ها از محضر استادانی چون مرحوم دکتر سامی راد، دکتر قوام نصیری، دکتر شهیدی، دکتر های خانواده سالاری (رضا، احمد و علی)، دکتر قریشی، دکتر میردامادی، دکتر اسکوئیان، دکتر بهپور، دکتر حسین قهرمان، دکتر محلاتی، دکتر رادپور، دکتر شهرستانی، دکتر اخوان، دکتر شاهین فر (محمد و احمد) و مهندس شهرستانی دانش آموخته بود و پیش از مهارت های علمی، درس ادب و اخلاق و انسانیت را سرلوحه آموزه هایش قرار داده بود و در میدان عمل، به کار می بست. سال ۱۳۴۷ بود که به مقام دانشیاری ارتقا یافت و هشت سال بعد نیز به مرتبه استادی رسید. مدرک فوق تخصص بیماری های عفونی کودکان را نیز در سال ۱۳۷۰ کسب و در مدت بیش از سی سال، در بخش کودکان بیمارستان امام رضا(ع) خدمت کرد. نام‌گذاری سالن کنفرانس و آموزش دانشجویان بخش اطفال بیمارستان امام رضا(ع) و سالن اجتماعات سازمان نظام پزشکی مشهد، گواه جایگاه عالی و محبوبیت اجتماعی او در جمع پزشکان مشهد است. دکتر صراف در روزگاری طبابت تخصصی کودکان در خراسان را آغاز کرد که شمار پزشکان متخصص در این حوزه، به عدد انگشتان یک دست نمی رسید، اما در ادامه راه، چه بسیار دانشجویانی که از محضر علم و اخلاق او بهره مند و هریک در مسیر خود به حاذق ترین پزشکان این شهر تبدیل شدند. چاپ بیش از هشتاد مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی و ارائه پنج مقاله به زبان فرانسه در مجله بیماری های کودکان پاریس تنها گوشه ای از خدمات علمی دکتر صراف در طول سالیان خدمت اوست. او که در سِمَت استاد راهنما، در پایان نامه پزشکی هفت پروژه تحقیقاتی جهان حضور داشت، علاوه بر تدریس و طبابت، به تأسیس نظام پزشکی مشهد نیز همت کرد و علاوه بر چند دوره ریاست این مجموعه، چهار دوره متوالی نیز در شمار اعضای شورای عالی نظام پزشکی تهران قرار گرفت. خدمت در درمانگاه خیریه امام رضا(ع)، کمک های مالی به خیریه های متعدد و ساخت خوابگاه دانشجویان در دانشگاه مشهد از دیگر خدمات دکتر صراف بود، اما یکم اردیبهشت ۱۳۹۹، جامعه پزشکی ایران، سیاه پوشِ فقدان پیشکسوتی شد که نه فقط شاگردان، خانواده و همکاران خود، که چه بسیار مادرانی را با رفتن خود سوگوار کرد. پدری مهربان و دل سوز که روزگاری، پس از خدا، چشم امید مادران بود.

منبع: شهرآرا محله

دکتر محمدتقی صراف شیرازی به روایت دیگر همکارانش

منشور دکتر صراف

دکتر اشرف محمدزاده، فوق تخصص طب نوزادی: آقای دکتر صراف ویژگی های خاص زیادی داشت. او در دانش پزشکی سرآمد و کلاس هایش همیشه پربار و باارزش بود. نکاتی که استاد آن زمان به ما تأکید داشت و می خواست به آن عمل کنیم امروز به صورت قوانین درآمده و بسیاری از این موارد در واحد اخلاق پزشکی تدریس می شود. یادم هست گاهی شب هایی که کشیک داشتیم، فردایش می رفتیم پیش استاد و از شرایط شب قبل و برخورد بیماران گلایه می‌کردیم، او همیشه می‌گفت، حق با بیمار است و حالا «حق با بیمار است» به عنوان یک منشور حقوق بیمار و یک قانون شده است.

مهربانی دکتر صراف

دکتر رحیم وکیلی، فوق تخصص غدد، رشد و متابولیسم کودکان: دکتر سعه صدر زیادی داشت و برای همه، هرکاری که از دستش برمی آمد انجام می داد. او از نظر علمی در کشور جایگاه ویژه‌ای داشت و از بنیان‌گذاران رشته تخصص عفونی در ایران بود. یکی دیگر از ویژگی های او میدان دادن به جوانان بود و سعی داشت استعداد جوانان در مسیر درست رشد کند. استاد را می توان در دو کلمه توصیف کرد «صمیمی» و «مهربان». او برخلاف برخی استادان که سخت‌گیر هستند خیلی با محبت بود و با ایجاد رابطه خوب و صمیمی با دانشجو او را به فراگیری علم سوق می داد.

کوچه

خوش بینی حال جامعه را خوش می کند



غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

جامعه به حُسن ظن نیاز دارد چنان که جسم آدمی به روح. بی روح، جانی نیست و بی «خوش پنداری» جامعه نمی تواند به سوی پیشرفت، قامت راست کند. وقتی اکثریت مردمان، نگاهشان به خوبی است و برای بهتر شدن روزگار تلاش می کنند، دل را به بدگمانی اجاره دادن، به قیمت از دست رفتن آن تمام خواهد شد. ما فردی از فراوان افراد جامعه هستیم باید رفتارهایمان به هماهنگی با هم برسد تا شاهد سامان جامعه باشیم.

این را در کلام معیار مولا امام علی(ع)، چنین می خوانیم که: إِذَا اسْتَوْلَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرْ مِنْهُ حَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَ إِذَا اسْتَوْلَى الْفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ؛ چون نیکوکاری بر زمانه و مردم آن غالب آید و کسی به دیگری گمان بد برد، که از او فضیحتی آشکار نشده، ستم کرده است و اگر بدکاری بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری گمان نیک برد خود را فریفته است. بر این اساس باید به هژمون و جوِ غالب نگاه کرد. وقتی سنگِ نیکی در ترازوی بازار است، بدگمانی فقط خود آدمی را به روزگار بد می اندازد. وقتی روزها با بدی به شب پیوند می خورد، اتهام به دیگران به ضرر آدمی می انجامد. شناخت درست جامعه ما را نجات می دهد. باید متناسب با این شناخت رفتارهای خود را تنظیم کرد. البته این نهایت تکلیف اجتماعی ما نیست بلکه باید برای بهتر شدن اوضاع و عادلانه شدن رفتارها بکوشیم تا بتوانیم بستر را برای حسن نیت فراهم کنیم. این عین صواب و توسعه دهنده زیبایی هاست چه در حدیث همواره راهنمای امام علی(ع) می خوانیم: حُسنُ النِّيَّةِ جَمالُ السَّرائِرِ، حُسن نیت، زیبایی باطن انسان است. و چون زیبایی باطن، جلوه های بیرونی پیدا کند، جامعه، که محضر خداست به دفتر تحریر تقدیرات نیکو هم تبدیل خواهد شد چه همان گونه که امیر مومنان(ع) می فرمایند، إِنَّ ا... يُحِبُّ أَنْ تَكونَ نِيَّةُ الانسانِ جَميلةً، خدا دوست دارد که انسان همیشه خیرخواه و خوش نیت باشد. وقتی در امتداد خواستِ خداوند جمیل و محبِ جمال حرکت کنیم، به پاداشی نیکو از حضرت او هم تکریم خواهیم شد چه باز در حدیث علوی چنین درس می گیریم که: عَلى قَدرِ النِّيَّةِ تَكونُ مِنَ ا... العَطِيَّةُ؛ فضل و رحمت الهی برای هر کس بر حسب نیّت و اهداف اوست. چون نیتمان خوب باشد، خوبی دریافت خواهیم کرد. سنتِ خدا بر این است که به نیت ها و سعی و کوشندگی ما نگاه کند نه به نتیجه آن. الاعمال بالنیات همین گزاره را تأکیدی همیشگی می کند. خوش گمان باشیم. خوبی را برای همه به دعا مسئلت کنیم، آن وقت هم حال جامعه خوش خواهد شد و هم ما به خوشحالی و نیک عاقبتی خواهیم رسید. این رسم الخط ایمان است. سرمشق همه مشق هایی که به شوق باید نوشت.

حکایت

پادشاه در بهشت و پارسا در دوزخ!

یکی از جمله صالحان به خواب دید پادشاهی را در بهشت و پارسایی در دوزخ.
پرسید که موجب درجات این چیست و سبب درکات آن که مردم به خلاف این معتقد بودند؟
ندا آمد که این پادشه به ارادت درویشان به بهشت اندر است و این پارسا به تقرب پادشاهان در دوزخ.
دلقت به چه کار آید و مسحی و مرقع.....خود را ز عمل های نکوهیده بری دار
حاجت به کلاه برکی داشتنت نیست.....درویش صفت باش و کلاه تتری دار

گلستان سعدی

عکس روز

خیابانی اصیل با نامی شاعرانه



نخستین روز از ماه اردیبهشت هم زمان است با روز بزرگداشت شیخ اجل و استاد سخن، سعدی. شاعر بلند آوازه ایرانی خفته در خاک شیراز که در تمام کلان شهرهای ایران نام و یادش زنده است. مثلا همین خیابان سعدی خومان در مشهد که قدمتی بیش از هشتادسال دارد. در کتاب «مکتب شاپور» یا «مشهد در ابتدای قرن چهارده» که به بررسی مشهد ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ پرداخته است، خیابان سعدی را که گویا یکی از کوچه های خیابان شاهرضا بوده، کوچه سراب ذکرکرده که به خیابان پهلوی منتهی می شده است، اما روزنامه «آزادی» در ۱۹ خرداد ۱۳۱۹ با تیتر «اجازه گشایش خیابان سعدی» از این خیابان با عنوان امروزش، رونمایی می کند. خیابانی که هنوز بخش درخور توجهی از بافت قدیمی مشهد را دربر گرفته است.

عکس: جواد کرمانی/شهرآرا